

## جای خالی استقلال دستگاه دیپلماسی



ابراهیم رحیم پور

معاون پیشین  
وزیر امور خارجه

من به واسطه حضور در وزارت امور خارجه در دوره های مختلف، آشنایی کاملی با نحوه بر خورد رؤسای جمهور وقت با وزرای خارجه شان داشته ام. بعد از انقلاب اسلامی در ایران، در نخستین دوره ای که ثبات در وزارت امور خارجه حاکم شد، علی اکبر ولایتی، به عنوان طولانی ترین وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، بیشترین حمایت را از جانب رئیس جمهور داشت. ولایتی در دوره نخست وزارت خارجه خود حمایت کامل رئیس جمهور و رهبری و در هشت سال دوم وزارتش حمایت کامل رهبری را پشت خود داشتند. البته حتی در دوره دوم وزارت ولایتی، هر چند حمایت کامل رئیس جمهور از او وجود داشت، اما در این دوره هم شاهد اختلاف نظرهایی میان رئیس جمهور و وزیر امور خارجه بودیم. سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران صرفاً در اختیار رئیس جمهور نیست که حمایت رئیس دولت از وزیر امور خارجه برای اجرای وظایف دستگاه دیپلماسی کفایت کند. حمایت رئیس جمهور اهمیت دارد، اما حتی انتخاب وزیر امور خارجه نیز صرفاً در اختیار رئیس جمهور نیست و در دوره های گذشته شاهد بودیم که رؤسای جمهور منتخب برای انتخاب وزیر امور خارجه دولت شان فهرستی از گزینه ها را با مقام معظم رهبری در میان می گذاشتند و بر اساس نظر رهبری وزیر خود را انتخاب می کردند. در دوره های پس از علی اکبر ولایتی، روزبه روز میزان حمایت از وزرای خارجه کاهش پیدا کرد. سیدکمال خرازی مورد حمایت کمتری واقع شد اما در دوره بعد از اصلاحات، عملاً اختلاف های شدید میان رؤسای جمهوری و وزرای امور خارجه نمایان شد. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور دولت نهم، اساساً منوچهر متکی، وزیر امور خارجه دولت خود را قبول نداشت و نهایتاً او را به شکل غیرمحرمانه ای از کار برکنار کرد. جانشین متکی هم چندان رابطه خوبی با رئیس جمهور وقت نداشت و اختلاف نظرهای آنها به شکل مفصل بیان شده است، تا جایی که نهایتاً وزیر امور خارجه وقت برخی از مهم ترین برنامه های خود را با مشورت مستقیم با رهبری پیش برد. در دولت های یازدهم و دوازدهم، من شخصاً شاهد بودم که اختلاف نظرهای جدی میان محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت و حسن روحانی، رئیس جمهور وقت وجود داشت. بنابراین این تصور که در طول سه دهه گذشته حمایت چشمگیری از سوی رؤسای جمهور از وزرای خارجه انجام شده باشد، تردیدهای جدی وجود دارد. در مورد دوره اخیر، سیدعباس عراقچی، پیش از انتخاب همه وزرای دولت انتخاب شده بود. عراقچی انتخاب اصلاح و احسن بود و من در طول یک سال و اندی که از آغاز به کار دولت چهاردهم می گذرد، اختلاف نظر جدی و عملی میان رئیس جمهور و وزیر امور خارجه ندیده ام. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور دولت چهاردهم بیش از هر چیز روی مسائل داخلی تمرکز کرده است و کمتر دیده می شود که به صورت مستقیم در سیاست خارجی وارد شود. در همین ماه های اخیر، پزشکیان تاکید کرده بود که برای حل مسائل و مشکلات کشور باید به داخل بپردازیم و مسائل ما مربوط به خارج نیست. چه این اظهارنظر را قبول داشته باشیم و چه نداشته باشیم، دیدگاه مطرح شده توسط رئیس جمهور نشان می دهد که اولویت چندانی برای حل و فصل مسائل سیاست خارجی قائل نیست. آنچه تا به امروز ما در عملکرد سیاست خارجی کشور دیده ایم، این است که سیاستگذاری در حوزه روابط خارجی چندان در اختیار وزارت خارجه نبوده است. وقتی نخستین رویداد پس از انجام مراسم تحلیف رئیس جمهور، ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران است، عملاً شرایط به سمتی می رود که سیاست خارجی تحت تاثیر مسائل امنیتی قرار می گیرد و چنین اتفاقی عملاً بر همه نشئون عملکرد دولت سایه می اندازد. در طول یک سال گذشته سیاست خارجی کشور به شکل کامل زیر سایه جنگ و تجاوز اسرائیل قرار گرفته است. با توجه به تهدیدها و خط قرمزها و چارچوب هایی که وجود داشت، واقعاً نمی توان گفت که امکان فعالیت بیشتری در حوزه سیاست خارجی وجود داشت. در مجموع می توان گفت که از یک سو سایه مسائل جنگی و امنیتی بر سیاست خارجی کشور، مانع عملکرد آزادانه وزارت خارجه شده است و از سوی دیگر کلیت دستگاه وزارت امور خارجه در نظام سیاسی کشور جایگاه خود را از دست داده است و اختیار زیادی ندارد. نه تنها رئیس جمهور، بلکه اساساً ساختار سیاسی کشور از استقلال و ابتکار عمل وزارت امور خارجه دفاع نمی کند و اجازه فعالیت آزادانه به وزیر نمی دهد. برای مثال شاید کسی بپرسد که چرا سیدعباس عراقچی با آمریکا وارد مذاکرات مستقیم نشد؟ خب مگر این تصمیم در اختیار شخص عراقچی بود؟ آیا او اختیار داشت که چنین تصمیمی بگیرد و نگرفت؟

## دیپلماسی



### روایت دیپلمات ها



مهندس ایرنا

# کارنامه دیپلماسی

## وزارت امور خارجه تا چه اندازه در وضعیت فعلی کشور مقصر است؟



شهاب شهسواری

دبیر گروه دیپلماسی و بین الملل

شکست های مستمر دستگاه سیاست خارجی کشور در تامین منافع ملی در عرصه بین المللی باعث شده است تا تیغ انتقادها از وزارت امور خارجه روزبه روز تندتر شود. این

انتقادها در دوره دولت چهاردهم نسبت به دوره گذشته شدت بیشتری گرفته است، چرا که دولت چهاردهم بر خلاف سلف خود با شعار تعامل و گفت وگو با همه جهان روی کار آمده بود، اما وزارت خارجه این دولت در تامین منافع ملی از طریق مذاکره و گفت وگو ناتوان بود. تردیدی وجود ندارد که دولت چهاردهم در یکی از پرچالش ترین و سخت ترین شرایط کشور به قدرت رسیده است و از همان روز نخست تحلیف رئیس جمهور جدید، با حمله تروریستی اسرائیل

## سیاست خارجی قربانی سیاست داخلی



ابوالقاسم دلفی

سفیر پیشین ایران در فرانسه

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته مطالبی را مطرح کرد که محورهای اصلی آن سیاست خارجی بود. برای ارزیابی عملکرد این دولت در حوزه سیاست خارجی در طول یک سال و اندی گذشته، باید مجموعه عوامل اثرگذار در این حوزه را بررسی کرد. محورهای سیاست خارجی مطرح شده در شعارهای انتخاباتی رئیس جمهور در این چارچوب بود که تا پیش از روی کار آمدن این دولت، مسائلی در سیاست خارجی کشور وجود داشت که نتیجه آن وضعیت و شرایط دوران انتخابات بود. شعارهای رئیس جمهوری مبتنی بر بازنگری بر سیاست های گذشته و تعامل بیشتر با دنیا و حل و فصل مشکلات با دنیا از طریق گفت وگو بود. آقای پزشکیان با این شعارها در انتخابات شرکت کرد و توانست پیروز شود. یکی از موثرترین افراد در موفقیت انتخاباتی آقای پزشکیان، محمدجواد ظریف بود که با سابقه وزارت خارجه در دولت های یازدهم و دوازدهم در کنار ایشان قرار گرفت. برنامه دیپلماسی آقای پزشکیان توسط ظریف تنظیم شده بود و بار شعارهای انتخاباتی در حوزه سیاست خارجی و حتی بخشی از سیاست داخلی بر عهده ظریف بود. این شعار که ایران قصد دارد از طریق گفت وگو و تعامل با جهان مشکلات خود را حل و فصل کند، محصول دیدگاه مشترک پزشکیان و ظریف بود.

اما روند جریان ها بعد از انتخاب پزشکیان، نشان داد که اوضاع داخلی و روند تحولات سیاست داخلی تعیین کننده عملکرد دولت خواهد بود؛ جریانی که در انتخابات ریاست جمهوری نتوانست نتیجه بگیرد و در مقابل پزشکیان شکست خورد، این شکست را نپذیرفت و از همان روز نخست سر ناسازگاری با دولت پزشکیان گذاشتند. نخستین هدف مخالفان دولت و شکست خوردگان در انتخابات این بود که مسئول تدوین و طراحی سیاست خارجی دولت چهاردهم را از رئیس جمهور دور کنند. نهایتاً اتفاقی که افتاد این بود که معاون راهبردی رئیس جمهور از روند تصمیم گیری در کابینه کنار گذاشته شد و پس از آن هم نهایتاً بعد از چند ماه مجبور به استعفا شد. در واقع طراح کمپین سیاست خارجی رئیس جمهور و کسی که قرار بود مجری سیاست خارجی نامزد برنده انتخابات باشد، خیلی زود از دولت کنار گذاشته شد. در همین چارچوب فردی که به عنوان

در خاک ایران، جنگ و نگاه امنیتی بر کشور سایه افکند. دستگاه سیاست خارجی دولتی چهاردهم، میراث دار وضعیتی است که نقش چندانی در ایجاد آن نداشته است. جنگ در غرب آسیا از سال ۲۰۲۳، تضعیف محور مقاومت، روی کار آمدن مجدد دونالد ترامپ در آمریکا، ناتوانی دولت قبل در احیای برجام در دوران جو بایدن، اختلاف شدید با اروپا به دلیل ادعای حمایت نظامی از روسیه در جنگ اوکراین و بسیاری از مسائل سیاست خارجی خارج از اختیار وزیر امور خارجه دولت چهاردهم بودند.

با این حال بسیاری از کارشناسان و دیپلمات های پیشین معتقدند که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در اجرای وظایف خود در طول ۱۵ ماه گذشته کوتاهی کرده است. به اعتقاد کارشناسان به رغم وجود همه تهدیدها و موانعی که خارج از اختیار وزارت امور خارجه بود، ابتکار عمل وزیر امور خارجه می توانست جلوی بسیاری از آسیب ها به کشور را بگیرد. بسیاری از دیپلمات های بازنشسته به رغم انتقاد از وضعیت فعلی دستگاه سیاست خارجی، معتقدند که سیدعباس عراقچی، بهترین گزینه برای هدایت وزارت امور خارجه است، اما در عین حال انتقادهای زیادی را به عملکرد او وارد می دانند. برخی از دیپلمات های پیشین در گفت وگوهایی که با آنها داشتم تاکید می کردند که به دلیل اینکه بسیاری از مدیران کنونی وزارت امور خارجه همکاران پیشین آنها هستند، تمایلی ندارند که بخشی از انتقادها را علنی بیان کنند. یکی از این دیپلمات ها تاکید داشت: «عملکرد فعلی وزارت خارجه حتی ۲۰ درصد از ظرفیتی که در دوران وزارت محمدجواد ظریف برای حل و فصل مسائل سیاست خارجی به کار گرفته شد، نیست.»

در مجموع کارشناسان مسائل مختلفی را به عنوان عوامل ناکامی سیاست خارجی دولت چهاردهم بیان می کنند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

**۱** فقدان انسجام در سیاست دولت: یکی از مواردی که اغلب کارشناسان به آن اشاره می کنند، فقدان همسویی میان وزارت امور خارجه با شعارهای رئیس جمهور در کارزار انتخاباتی اش است. یک دیپلمات پیشین تصریح می کند که در حالی که اظهارات رئیس جمهور پیش و پس از انتخاب شدن به این مقام مبتنی بر حل و فصل مسائل سیاست خارجی از طریق تعامل و گفت وگو با همه کشورهای جهان بود، وزیر خارجه انتخاب سیاست نگاه به شرق، نمی توانست شرایط عادی در روابط او رویکرد متفاوتی را در جلسه رای اعتماد خود تشریح کرد

که لازمه آن گفت وگو و مذاکره با غرب بود اما عملاً بر اثر انتخاب هایی که پیش از انتخاب رئیس جمهور شده بود، «نگاه به شرق» در مقابل این تعامل موانعی را ایجاد کرده بود. نباید فراموش کنیم که بین سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ که ایران در حال مذاکرات برجام بود، روس ها و چینی ها بدون هیچ تردیدی نمی خواستند که آن مذاکرات به نتیجه برسد، چرا که عادی شدن روابط ایران و غرب را خلاف منافع خود در قبال ایران می دیدند. در یک سال و اندی گذشته نیز همین مشکل، مانع اصلی در مقابل تعامل ایران و غرب بود. تهران به دلیل انتخاب سیاست نگاه به شرق، نمی توانست شرایط عادی در روابط خود با غرب ایجاد کند. تهران به این نتیجه رسید که به دلیل انتخاب سیاست نگاه به شرق، دوری از روسیه امکان پذیر نیست.

درست چند ماه پس از آغاز به کار مسعود پزشکیان، دونالد ترامپ نیز به مقام ریاست جمهوری در آمریکا برگزیده شد. او بارها در خصوص آمادگی برای معامله و توافق با ایران سخن گفته بود و در ماه های نخست ریاست جمهوری اش با ارسال نامه ای به رهبری، برای مذاکره اعلام آمادگی کرد. دونالد ترامپ، همواره اعلام کرده است که آمادگی دارد مشکلاتش را با ایران حل و فصل کند، هر چند تاکید دارد که این توافق باید به نام آمریکا و او تمام شود. اصرار و پافشاری ترامپ بر این است که تهران با آمریکا به صورت مستقیم وارد مذاکره و حل و فصل مسائل شود و اگر دستاوردی در این مذاکرات بود به نام آمریکا و ترامپ تمام شود اما ایران ملاحظاتی داشت که نمی توانست با آمریکا مذاکره کند. روند وقایع به این صورت بود که تهران ابتدا اصل مذاکره با آمریکا را مردود می دانست و بعد از نامه ترامپ، برای مذاکره اعلام آمادگی کرد، اما مذاکره مستقیم را قبول نکرد. نهایتاً آمریکایی ها اجباراً به اصرار ایران مبنی بر مذاکره غیرمستقیم تن دادند که این مذاکرات هم نتیجه نداد.

همین مذاکرات نیم بندی که ما با آمریکا شروع کردیم، پس از پنج دور مذاکره غیرمستقیم با واسطه، نتیجه ای نداد و نهایتاً مخالفان این مذاکرات و مخالفان توافق ما با آمریکا که عمدتاً قدرت های منطقه و در رأس آنها اسرائیل بودند، این مذاکرات را به شکست کشاندند و اسرائیل با حمله به ایران، میز مذاکره را هدف قرار داد.

تصمیم ما در پی این رویدادها این بود که هر چند ما در حال مذاکره غیرمستقیم با آمریکا بودیم و آماده بودیم تا وارد دور ششم مذاکرات شویم، به دلیل اقدام اسرائیل تصمیم گرفتیم مذاکرات مان را با آمریکا قطع کنیم. مادامی که ما با آمریکا مذاکره می کردیم، هنوز آمریکایی ها دست به اقدام نظامی علیه ما نزده بودند و اقدام نظامی آمریکا علیه تاسیسات هسته ای ما زمانی اتفاق افتاد که ما مذاکرات را قطع کردیم.

به نظر من قطع مذاکرات با آمریکا از سوی ایران، تحت تاثیر سایه نگاه به شرق به کلیت سیاست خارجی کشور بود. فشار نگاه به شرق به عنوان یک مانع و عامل بازدارنده، جلوی تعامل ما را با غرب